

# تحول مفهوم دفاع مشروع در حقوق بین الملل

با تأکید بر تحولات بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱

محسن شریفی<sup>۱</sup>

مقدمه

اصل عدم توسل به زور پس از جنگ دوم جهانی به عنوان یک قاعده آمرانه پذیرفته شده است.<sup>(۱)</sup> بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد دولت‌ها را در روابط بین‌المللی از تهدید یا توسل به زور منع کرده است. دیوان بین‌المللی دادگستری هم این اصل را نه فقط به عنوان یک اصل حقوق بین‌الملل عرفی بلکه به عنوان یک اصل اساسی و بنیادین حقوق بین‌الملل به رسمیت شناخته است.<sup>(۲)</sup> منشور ملل متحد برای این اصل مسلم حقوق بین‌الملل، استثناء حق دفاع مشروع را وارد می‌کند.

حق دفاع مشروع به عنوان یک استثناء بر قاعده مطرح می‌باشد. ماده ۵۱ منشور ملل متحد حق دفاع مشروع فردی یا جمعی را مورد شناسایی قرار داد. توسل به زور در پرتو حق دفاع مشروع شرایطی دارد که هم در نظام منشوری و هم در حقوق بین‌الملل عرفی مقرر شده است. پس از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، موضوع دفاع مشروع بار دیگر مورد توجه جامعه

۱. محسن شریفی، پژوهشگر حقوق بین‌الملل است.

بین‌المللی قرار گرفت. شورای امنیت طی دو قطعنامه ۱۳۶۸ و ۱۳۷۳ این حملات را محکوم کرد. شدت و گستردگی این حملات به حدی بود که جامعه بین‌المللی و سازمان‌های بین‌المللی آن را محکوم کردند. ایالات متحده و متحدانش نیز با استناد به حق دفاع مشروع به افغانستان حمله کردند.

در قسمت اول این مقاله مفاهیم دفاع مشروع اعم از دفاع مشروع سنتی، پیش‌دستانه و پیشگیرانه مورد بررسی قرار می‌گیرد. در قسمت دوم تحول مفهوم دفاع مشروع پس از حملات ۱۱ سپتامبر بررسی می‌شود. در این قسمت قطعنامه‌های ۱۳۶۸، ۱۳۷۳ شورای امنیت تحلیل می‌شود و نکاتی در مورد شکل‌گیری قاعده عرفی مبنی بر تغییر موسع حق دفاع مشروع بیان می‌گردد.

## ۲- نظریه‌های مربوط به دفاع مشروع

### ۱-۲- دفاع مشروع سنتی

یکی از مهم‌ترین استثنائات وارده بر اصل عدم توسل به زور، حق دفاع مشروع در پاسخ به حملات مسلحانه است که در منشور ملل متحد به عنوان یک "حق ذاتی"<sup>۱</sup> و در متون فرانسوی به عنوان "حق طبیعی"<sup>۲</sup> مورد اشاره قرار گرفته است. ماده ۵۱ منشور ملل متحد بیان می‌دارد:

"در صورت وقوع حمله مسلحانه علیه یک عضو ملل متحد تا زمانی که شورای امنیت اقدامات لازم برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به عمل آورد هیچ یک از مقررات این منشور به حق ذاتی دفاع مشروع فردی یا دسته جمعی لطمه‌ای وارد نخواهد کرد. اعضا باید اقداماتی را که در اعمال این حق دفاع مشروع به عمل می‌آورند فوراً به شورای امنیت گزارش دهند. این اقدامات به هیچ وجه در اختیار و مسؤولیتی که شورای امنیت بر طبق این منشور دارد و به موجب آن برای حفظ و اعاده صلح و امنیت بین‌المللی و در هر موقع که ضروری تشخیص دهد اقدام لازم

1. Inherent Rights

2. Droit Naturel

به عمل خواهد آورد، تأثیری نخواهد داشت."

همچنین ماده ۵ پیمان ناتو بیان می‌دارد:

"اعضا موافقت می‌نمایند که حمله مسلحانه علیه یک یا چند عضو در اروپا یا امریکای شمالی حمله علیه تمامی اعضا محسوب می‌شود و در صورت وقوع چنین حمله‌ای حق دفاع مشروع فردی یا جمعی مندرج در ماده ۵۱ منشور ملل متحد اعمال خواهد شد، ... هر حمله مسلحانه و تمامی اقدامات متعاقب آن سریعاً به شورای امنیت گزارش خواهد شد. چنین اقداماتی هنگامی که شورای امنیت اقدامات ضروری جهت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی اتخاذ نماید متوقف خواهد شد."

با بررسی ماده ۵۱ منشور ملل متحد و حقوق بین‌الملل عرفی مشاهده می‌شود که توسل به

زور در دفاع مشروع شرایطی دارد:

الف- اصل ضرورت، فوریت، اجتناب ناپذیری، نداشتن انتخاب دیگر و نداشتن فرصتی برای بررسی و مذاکره، پذیرش عمومی اصل ضرورت به سال ۱۸۴۲ برمی‌گردد. دانیل وبستر<sup>۱</sup> وزیر خارجه ایالات متحده در سال ۱۸۴۲ ادعای بریتانیا مبنی بر دفاع مشروع علیه کشتی امریکایی که به شورشیان کانادایی کمک می‌کرد را رد کرد. وبستر به اصل ضرورت اشاره کرد و بیان داشت که دفاع مشروع نه می‌تواند غیر عقلانی و نه افراطی باشد.<sup>۲</sup> دیوان بین‌المللی دادگستری اصل ضرورت را به عنوان یک قاعده عرفی بین‌المللی تایید کرده است.<sup>(۳)</sup> دیوان بیان می‌دارد که اصل ضرورت، توسل به نیروی مسلحانه را به حصول اهداف نظامی مشروع محدود می‌کند. چنانچه نابودی نیروهای متجاوز و دفاع در سرزمین دولت متجاوز برای اعمال دفاع مشروع ضروری باشد یک دولت می‌تواند به انجام آن مبادرت ورزد.<sup>(۴)</sup>

ب- توسل به زور باید به دفع حمله مسلحانه منحصر شود. طبق اصول مسؤولیت بین‌المللی و حقوق بین‌الملل، اقدامات تلافی جویانه توسط دولت‌ها ممنوع می‌باشد. یکی از

1. Daniel Webster

۲. این جریان به قضیه کارولین (Caroline) معروف شده است.

موارد اقدامات تلافی جویانه این است که دولتی در جهت انتقام، مجازات یا ارباب عمومی به زور متوسل شود. توسل به زور در دفاع مشروع به دفع یک حمله، جلوگیری از حملات آتی در پی وقوع یک حمله اولیه و تغییر نتیجه یک حمله از جمله پایان اشغال، محدود می‌باشد.

ج - اصل تناسب، توسل به زور باید با هدف دفع تجاوز متناسب باشد. در حقوق مخاصمات مسلحانه اصل تناسب بر پایه یک اصل مبنایی قرار دارد. این اصل می‌گوید که طرفین متخاصم در استفاده از ابزارهایی جهت ضربه زدن به دشمن، انتخاب نامحدودی ندارد. اصل تناسب نیازمند این است که تلفات غیرنظامی احتمالی باید متعادل باشد. چنانچه تناسب تخریب اموال غیرنظامیان و تلفات آنها فراتر از اهمیت هدف مورد نظر باشد حمله باید قطع شود.<sup>(۵)</sup> دیوان بین‌المللی دادگستری هم به رعایت اصل تناسب اشاره کرده است.<sup>(۶)</sup>

د - توسل به زور باید به محض این که تجاوز پایان یافت یا شورای امنیت اقدامات ضروری را انجام داد متوقف شود. دولت قربانی که به دفاع مشروع اقدام می‌کند باید فوراً به شورای امنیت گزارش دهد. دفاع مشروع به عنوان یک راه حل موقتی خواهد بود زیرا مسؤلیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی بر عهده شورای امنیت است و دفاع مشروع تا زمانی می‌تواند مورد استناد قرار گیرد که شورای امنیت خودش اقدام لازم جهت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به عمل آورد.<sup>(۷)</sup>

ه - دولت‌هایی که به دفاع مشروع مبادرت می‌کنند باید اصول اساسی حقوق بشر دوستانه را رعایت کنند. دفاع مشروع سنتی اجازه توسل به نیروی مسلحانه علیه اهداف نظامی را می‌دهد. به نظر می‌رسد که در حال حاضر برخی دولت‌ها تمایل دارند هر نوع توسل به خشونت از جمله استفاده از سلاح‌های هسته‌ای را مشروع تلقی کنند.<sup>(۸)</sup> اما آنچه در حال حاضر به فهرست شرایط اعمال دفاع مشروع افزوده شده است رعایت حقوق بشر دوستانه بین‌المللی می‌باشد. تفکیک بین نظامیان و غیرنظامیان همانند تفکیک بین اهداف نظامی و غیرنظامی از اصول اساسی حقوق بشر دوستانه بین‌المللی می‌باشد.<sup>(۹)</sup> دیوان بین‌المللی دادگستری هم این مسأله را تایید می‌کند و بیان می‌دارد که دولت‌ها هرگز نباید غیرنظامیان را مورد حمله قرار دهند و هرگز نباید از

## ● تحول مفهوم دفاع مشروع در حقوق بین الملل

سلاح‌هایی که قادر به تفکیک بین اهداف نظامی و غیرنظامی نیستند استفاده کنند. دولت‌ها آزادی نامحدود در انتخاب سلاح‌های مورد استفاده ندارند.<sup>(۱۰)</sup>

و - وقوع یک حمله مسلحانه، ماده ۵۱ منشور ملل متحد حق دفاع مشروع را در صورت وقوع حمله مسلحانه مجاز می‌شمرد. این ماده به مخصصات میان دولتی اشاره دارد و به حملات مسلحانه توسط یک سازمان غیردولتی خارجی یا حملات تروریستی اشاره‌ای نکرده است.<sup>(۱۱)</sup> دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه بیان داشت که حق دفاع مشروع فردی یا جمعی فقط در صورت وقوع اقدامات فاحشی که به حد یک حمله مسلحانه رسیده‌اند، ایجاد می‌شود. دیوان با توجه به تعریف مجمع عمومی از مفهوم تجاوز نتیجه گرفت که ارسال نیروهای مسلح منظم به ماوراء مرزهای بین‌المللی در حکم حمله مسلحانه می‌باشد. همچنین اعزام گروه‌ها و نیروهای نامنظم یا مزدورها توسط یا از طریق یک دولت در صورتی که از چنان شدتی برخوردار باشد که به حد یک حمله مسلحانه توسط نیروهای منظم رسیده باشد، حمله مسلحانه می‌باشد.<sup>(۱۲)</sup> دیوان در این قضیه معتقد بود که به نظر نمی‌رسد نیکاراگوئه به دلیل تهیه و ارسال سلاح برای شورشیان السالوادور مسؤلیت داشته باشد و حتی اگر چنین باشد ارسال سلاح برای شورشیان السالوادور برابر با حمله مسلحانه نبوده است.<sup>(۱۳)</sup> بنابراین در صورتی که دولتی با زوری که به حد حمله مسلحانه نرسیده باشد تهدید شود باید به اقداماتی متوسل شود که کمتر از حد دفاع مشروع مسلحانه باشد یا باید برای اعمال اقدام شدیدتر مجوز شورای امنیت را دریافت کند.

### ۲-۲- دفاع مشروع پیش‌دستانه<sup>۱</sup>

در حال حاضر در حوزه دفاع مشروع دکترینی مطرح می‌شود که دفاع مشروع را در وضعیت‌های خاص مجاز می‌شمارد. این دکترین به دفاع مشروع پیش‌دستانه معروف شده است که مفهومی منفک از دفاع مشروع پیشگیرانه می‌باشد. طبق دکترین دفاع مشروع پیش‌دستانه پاسخ

---

1. Anticipatory Self-Defence

مسلحانه به حملات قریب‌الوقوع یا آنجا که حمله‌ای وقوع یافته و دولت قربانی دریافته است که حملات بیشتری در حال طراحی است مجاز می‌باشد.

دکترین دفاع مشروع پیش‌دستانه، توسل به زور را در چند حالت مجاز می‌شمرد: حالت اول این است که شواهد متقاعد کننده‌ای نه صرفاً مبنی بر تهدید یا خطر بالقوه بلکه مبنی بر حمله‌ای قریب‌الوقوع وجود دارد و بنابراین احتمالاً حمله‌ای مسلحانه صورت می‌گیرد. در این حالت که حمله مسلحانه قریب‌الوقوع است، یک دولت می‌تواند به دفاع مشروع پیش‌دستانه استناد کند. حالت دوم این است که دولتی یک بار مورد حمله مسلحانه قرار گرفته است و در حال حاضر شواهد آشکار و متقاعد کننده‌ای مبنی بر آمادگی دشمن برای حمله مجدد وجود دارد. در این حالت نیازی نیست که دولت قربانی منتظر وقوع حمله دیگری بماند و می‌تواند به دفاع مشروع پیش‌دستانه متوسل شود. در این حالت دفاع باید پس از گذشت زمان معقولی از حمله ابتدایی صورت گیرد و ویژگی دفاع متناسب با حملات مسلحانه آتی را داشته باشد. چنانچه تروریست‌ها در حال طراحی یک سلسله حملات باشند دولت قربانی می‌تواند جهت جلوگیری از حملات آتی و با داشتن شواهد متقاعد کننده‌ای اقدام کند. با این وجود در صورت فقدان شواهد متقاعد کننده مبنی بر حملات آتی، توسل به نیروی مسلحانه غیرقانونی خواهد بود.

در این صورت توسل به نیروی مسلحانه به عنوان یک اقدام تنبیهی یا تلافی جویانه غیرقانونی محسوب می‌شود. اما چنانچه دشمن قصد ادامه حمله داشته باشد توسل به نیروی مسلحانه طبق دفاع مشروع قانونی خواهد بود. پاسخ جهانی به حملات ۱۱ سپتامبر این مسأله را تأیید می‌کند. (۱۴)

پس از حملات ۱۱ سپتامبر، ایالات متحده و بریتانیا اقداماتی علیه افغانستان انجام دادند. آنها به وجود شواهدی مبنی بر وقوع حملات بیشتر اشاره می‌کردند. ایالات متحده و بریتانیا تأکید می‌کردند که حملات ۱۱ سپتامبر بخشی از سلسله حملاتی بوده که از ۱۹۹۳ علیه ایالات متحده شروع شده است، آنها عنوان می‌کردند که مرتکبان این حملات در حال طراحی حملات بیشتری هستند. اقدامات ایالات متحده و متحدانش پس از ۱۱ سپتامبر می‌تواند تئوری دفاع

مشروع پیش‌دستانه را در مواردی که حمله‌ای اتفاق افتاده است و شواهد متقاعدکننده‌ای مبنی بر طراحی حملات بیشتر وجود دارد هر چند این حملات هنوز شروع نشده است، تقویت کند.<sup>(۱۵)</sup> اما باید توجه داشت که حقوق بین‌الملل جاری، دفاع مشروع پیش‌دستانه و دفاع مشروع پیشگیرانه را ممنوع می‌داند. یک دولت نمی‌تواند هنگامی که تنها احتمال فرضی یک حمله وجود دارد و حتی در مورد وجود سلاح‌های کشتار جمعی، علیه دولت دیگر توسل به زور شود.<sup>(۱۶)</sup>

### ۲-۳- دفاع مشروع پیشگیرانه<sup>۱</sup>

ماده ۵۱ منشور ملل متحد یک استثناء آشکار بر ممنوعیت عمومی توسل یک‌جانبه به زور وارد کرده است و آن دفاع مشروع فردی یا جمعی می‌باشد. این ماده به هیچ‌گونه حق حمله به دولت دیگر به دلیل ترس از این که آن دولت در حال طراحی یا توسعه سلاح‌های قابل استفاده در حمله احتمالی است اشاره‌ای نمی‌کند.

اصطلاح دفاع مشروع پیشگیرانه به مواردی گفته می‌شود که یک دولت برای سرکوب هرگونه احتمال حمله آتی توسط دولتی دیگر به زور متوسل می‌شود. حتی در مواردی که هیچ دلیل و اعتقادی مبنی بر طراحی حمله وجود ندارد و مواردی که هیچ حمله اولیه‌ای صورت نگرفته است، بعضی نویسندگان از اصطلاح Preventive War یا Preventive Self-Defence استفاده کرده‌اند.

دفاع مشروع پیشگیرانه در حقوق بین‌الملل جاری غیرقانونی است. اقدام مسلحانه در دفاع مشروع تنها علیه حمله مسلحانه اجازه داده شده است. بعضی حقوق‌دانان طی سال‌ها تأکید می‌کردند که دفاع مشروع پیشگیرانه باید مشروع شناخته شود. دولت‌هایی همانند ایالات متحده از این که دیگر دولت‌ها به سلاح‌های کشتار جمعی دسترسی یابند نگرانند و استدلال می‌کنند که صرف داشتن چنین سلاح‌هایی می‌تواند توسل به زور طبق دفاع مشروع را توجیه کند. در حال حاضر طرفداران حمله به عراق بیان می‌دارند که رهبران عراق و رژیم بعث به توسعه سلاح‌های

---

1. Pre-emptive Self-Defence

کشتار جمعی ادامه می‌دهند و ممکن است از این سلاح‌ها علیه اهدافی استفاده کنند یا آنها را به شبکه‌های تروریستی واگذار کنند. آنها خواهان پیشگیری از هرگونه خطری هستند و معتقدند که رهبران عراق ممکن است چنین خطری را به وجود آورند یا به دیگران برای ایجاد آن خطر کمک کنند. این استدلال‌ها بر مبنای مفهوم دفاع مشروع پیشگیرانه است.<sup>(۱۷)</sup>

ایالات متحده و بریتانیا همچنین در قضیه ایجاد مناطق ممنوعه پرواز در عراق، به دفاع مشروع استناد می‌کردند. ایالات متحده و بریتانیا در ۱۹۹۹ تصمیم گرفتند که حوزه دفاع مشروع در این قضیه را گسترده کنند. موضع‌گیری آنها این بود که فقط هنگام وقوع حمله مسلحانه به زور متوسل نشوند بلکه حوزه دفاع مشروع تاحدی گسترده است که دفاع مشروع پیشگیرانه را هم دربر می‌گیرد. باید توجه داشت که آنها صراحتاً به این حق استناد نکردند و حتی پیشگیرانه بودن آن را رد کردند. دلیل عملکرد آنها این بود که در رویه دولت‌ها بی‌میلی آشکاری نسبت به دفاع مشروع پیشگیرانه دیده می‌شود. فرانسه، روسیه و چین به صورت مستقیم یا غیرمستقیم دفاع مشروع ادعایی ایالات متحده و بریتانیا را مورد انتقاد قرار دادند.<sup>(۱۸)</sup>

حقوق دانانی که از نظریه دفاع مشروع پیشگیرانه دفاع می‌کنند معمولاً دو استدلال را مطرح می‌کنند. گروهی از جمله اسکار اسکچر<sup>۱</sup>، لی کیسی<sup>۲</sup>، دیوید ریوکی<sup>۳</sup>، رابرت بک<sup>۴</sup> و آنتونی کلارک<sup>۵</sup> به اصطلاح Inherent در ماده ۵۱ منشور ملل متحد اشاره می‌کنند.<sup>(۱۹)</sup> آنها استدلال می‌کنند که حقوق عرفی قبل از منشور، دفاع مشروع را حتی در صورت فقدان حمله مسلحانه اجازه می‌دهد. برداشت‌های محافظه کارتر ادعا می‌کنند که حقوق بین‌الملل عرفی، دفاع مشروع پیشگیرانه را هنگامی که حمله‌ای قریب‌الوقوع باشد اجازه می‌دهد است.

در پاسخ به این استدلال باید بیان داشت که تئوری حق ذاتی بر مبنای تفاسیر حقوق

1. Oscar Schachter
2. Lee Casey
3. David Rivkin
4. Robert Beck
5. Anthony Clark



بین الملل عرفی قرار دارد که قبل از منشور ملل متحد جاری بوده‌اند و نمی‌توان به آن تفاسیر برای زمان حال استناد کرد. از طرف دیگر لازمه اثبات این نظریه این خواهد بود که تنها اصطلاح "ذاتی" بر تمامی ساختار و اهداف ملل متحد برتری داشته باشد. یعنی باید بند ۴ ماده ۲ و اصطلاح "حمله مسلحانه" ماده ۵۱ منشور نادیده انگاشته شود. این مسأله غیر منطقی به نظر می‌رسد.<sup>(۲۰)</sup>

برداشت دیگری از نظریه حق ذاتی این است که حق دفاع مشروع یک اصل قاعده آمره بوده است و منشور ملل متحد یا رویه متعاقب دولت‌ها نمی‌توانسته آن را تغییر دهد. اما باید توجه داشت که هیچ صاحب نظری حق دفاع مشروع پیشگیرانه را به عنوان اصل قاعده آمره معرفی نکرده است. در واقع اصل ممنوعیت توسل به زور یک اصل قاعده آمره است و حق دفاع مشروع به عنوان یک استثناء بر این اصل و قاعده مطرح می‌باشد.<sup>(۲۱)</sup>

گروهی دیگر در تأیید نظریه دفاع مشروع پیشگیرانه، به کارایی قواعد منشور ملل متحد اشاره می‌کنند. آنها کارایی قواعد توسل به زور را زیر سؤال برده و به تداوم نقض مقررات منشور توسط دولت‌ها اشاره می‌کنند و نتیجه می‌گیرند که نظام منشور و قواعد آن دیگر کارایی ندارند. در پاسخ باید گفت که بعضی اقدامات دولت‌ها نقض حقوق هستند و نباید به عنوان رویه‌ای در جهت شکل‌گیری قاعده عرفی جدید مطرح شوند و قواعد قبلی همچنان اعتبار خواهد داشت. چنانچه جامعه بین‌المللی از قاعده‌ای حمایت کند آن قاعده معتبر باقی می‌ماند. در اینجا هم جامعه بین‌المللی و حتی ایالات متحده اصراری بر تغییر قاعده ندارند. ایالات متحده هیچ‌گاه بیان نداشته است که در جهت ایجاد قاعده جدیدی اقدام می‌کند. ایالات متحده مداخله در کوزوو توسل به زور را در قالب منشور توجیه می‌کرد و حتی بعد از قضیه کوزوو خواهان تغییر عمومی قاعده نیست.<sup>(۲۲)</sup> ملاحظه شد که نظرات علمی عموماً نظریه دفاع مشروع پیشگیرانه را رد می‌کنند.

دیوان بین‌المللی دادگستری هم در قضیه مشروعیت تهدید یا توسل به سلاح‌های هسته‌ای بر این اعتقاد است که طبق حقوق بین‌الملل عرفی در شرایط عادی صرف داشتن سلاح‌های هسته‌ای غیر قانونی نیست.<sup>(۲۳)</sup> دیوان در این قضیه با توجه به حقوق بین‌الملل جاری و حقایق این مسأله قاطعانه نتیجه نمی‌گیرد که آیا تهدید یا توسل به سلاح‌های هسته‌ای در وضعیت

استثنایی دفاع مشروع (در موردی که بقای یک دولت در خطر باشد) قانونی خواهد بود یا غیر قانونی. اما باید توجه داشت که صرف داشتن سلاح هسته‌ای بدون حتی تهدید به استفاده توجیه کننده یک حمله مسلحانه غیر قانونی نمی‌باشد.

موضع‌گیری شورای امنیت در این زمینه نیز قابل توجه می‌باشد. شورای امنیت مشروعیت دفاع مشروع پیشگیرانه را مردود می‌شمارد. به عنوان مثال اسرائیل در ۱۹۸۱ را اکتور هسته‌ای اسیریک<sup>۱</sup> در عراق را بمباران کرد. استدلال اسرائیل نیز مبنی بر دفاع مشروع پیشگیرانه بود و صرف داشتن این را اکتور هسته‌ای را توجیهی برای حمله قلمداد کرد. شورای امنیت در پاسخ به این حمله بیان داشت که حمله نظامی اسرائیل در تضاد آشکار با منشور ملل متحد و قواعد بین‌المللی می‌باشد.<sup>(۲۴)</sup>

### ۳- بررسی قطعنامه‌های ۱۳۶۸ و ۱۳۷۳ شورای امنیت

شورای امنیت سازمان ملل متحد پس از وقوع حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر اقدام به صدور قطعنامه‌های ۱۳۶۸ و ۱۳۷۳ نمود. شورای امنیت در مقدمه قطعنامه ۱۳۶۸، اقدامات تروریستی را به عنوان تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی مطرح کرد و حق ذاتی دفاع مشروع فردی یا جمعی طبق منشور ملل متحد را به رسمیت شناخت. شورا همچنین در مقدمه قطعنامه ۱۳۷۳ با تأکید مجدد بر قطعنامه‌های ۱۲۶۹ و ۱۳۶۸ بار دیگر حملات ۱۱ سپتامبر را به عنوان تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی محکوم کرد. شورا بار دیگر حق ذاتی دفاع مشروع فردی یا جمعی طبق منشور ملل متحد را به رسمیت شناخت. در واقع شورای امنیت تلاش نموده است که بین مفهوم حمله تروریستی و حمله مسلحانه مندرج در ماده ۵۱ منشور ارتباط برقرار کند.

شورای امنیت در قطعنامه ۱۲۶۹ تروریسم را فارغ از اهدافی که تروریست‌ها دنبال می‌کنند محکوم می‌کند. بند ۵ این قطعنامه بیان می‌دارد که تروریسم تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی است.<sup>(۲۵)</sup> در واقع این قطعنامه زمینه‌ای را برای قطعنامه‌های ۱۳۶۸ و ۱۳۷۳ ایجاد

می‌کند. تا تاریخ ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، شورای امنیت برای مقابله با تروریسم از ابزارهای غیرقهرآمیز و بدون توسل به زور استفاده می‌کرد. ولی قطعنامه‌های ۱۳۶۸ و ۱۳۷۳ مجوز توسل به زور طبق دفاع مشروع را صادر می‌کند.

پاره‌ای از حقوق دانان بیان می‌دارند که حملات ۱۱ سپتامبر را نمی‌توان یک حمله مسلحانه خواند و در واقع جنگی صورت نگرفته است و شورای امنیت نمی‌بایست مجوز توسل به زور طبق منشور ملل متحد (ماده ۵۱) را صادر می‌کرد. اما باید گفت که اصطلاح حمله مسلحانه در منشور تعریف نشده است. تاکنون نظر عمومی این بود که ماده ۵۱ وضعیت دولتی که مورد حمله نظامی دولت دیگر قرار گرفته را بیان می‌دارد. بدون شک تهیه کنندگان منشور هم همین نظر را در ذهن داشتند. اما باید توجه داشت که یک سند یا معاهده در اوضاع و احوال خاص می‌تواند مورد تفسیر قرار گیرد. بنابراین حملات ۱۱ سپتامبر را می‌توان در صورتی که به عنوان اشکال جدید خشونت تفسیر کرد یک حمله مسلحانه قلمداد کرد.<sup>(۲۶)</sup> شورای امنیت با صدور قطعنامه‌های ۱۳۶۸، ۱۳۷۳ این نظر را تأیید کرد.

مسئله دیگر این است که آیا شورای امنیت این اختیار را داشته است که حملات ۱۱ سپتامبر را به عنوان حمله مسلحانه تلقی کند؟ در پاسخ باید گفت که شورای امنیت این اختیار را داشته است. در حقوق بین الملل تعریف دقیق و روشنی از تجاوز نداریم. قطعنامه ۳۳۲۴ مجمع عمومی تجاوز را تعریف کرده است که این قطعنامه حالت توصیه‌ای دارد. دیوان بین المللی دادگستری هم در قضیه نیکاراگوئه (۱۹۸۶) تعریفی از تجاوز ارائه می‌دهد. چون تعریف دقیق و روشنی از تجاوز و حمله مسلحانه نداریم شورای امنیت می‌تواند فقط برای یک مورد خاص تعاریف پیشین را تکمیل کند. چنانچه دولت‌ها این تعریف شورای امنیت را در رویه و اعتقاد حقوقی بپذیرند، به عنوان قاعده عرفی مطرح خواهد شد یعنی از حقوق منشوری به حقوق عرفی تبدیل می‌شود.<sup>(۲۷)</sup>

## ۴- شکل‌گیری عرف بین‌المللی

قبل از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ عموم دولت‌ها تفسیر مضیقی از ماده ۵۱ منشور ملل متحد ارایه می‌دادند. اکثریت دولت‌ها حق دفاع مشروع علیه شبکه‌های تروریستی مستقر در سرزمین دولت‌های دیگر را مورد شناسایی قرار نمی‌دادند. همچنین اکثریت دولت‌ها اقدام مسلحانه به قصد جلوگیری از حملات آتی را مشروع نمی‌دانستند. دفاع مشروع به عنوان پاسخی فوری به یک حمله مسلحانه موجود در نظر گرفته می‌شد و از دید اکثریت دولت‌ها دفاع مشروع پیش‌دستانه یا دفاع مشروع پیشگیرانه غیرقانونی بود. البته ایالات متحده، اسرائیل و آفریقای جنوبی در مورد عکس‌العمل به حملات تروریستی تاکید می‌کردند که می‌توانند به حق دفاع مشروع استناد کنند و پایگاه‌های تروریست‌ها در دولت میزبان را مورد حمله قرار دهند. نگرش این دولت‌ها مبنی بر تفسیر موسع از ماده ۵۱ منشور ملل متحد بود.

پس از وقوع حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، شورای امنیت طی دو قطعنامه ۱۳۶۸ و ۱۳۷۳ این حملات را محکوم کرده و حق دفاع مشروع فردی یا جمعی را مجاز شناخت. دول عضو ناتو هم آن را به عنوان حمله مسلحانه محسوب کردند. شدت و گستردگی این حملات به حدی بود که جامعه بین‌المللی به طور گسترده‌ای آن را محکوم کرد. با توجه به موضع‌گیری دولت‌ها پس از وقوع این حملات آیا می‌توان گفت که قاعده‌ای عرفی مبنی بر این که حملات تروریستی نوعی حمله مسلحانه است شکل گرفته است؟ آیا دولتی که مورد حمله تروریستی قرار گرفته است می‌تواند دولت میزبان شبکه تروریستی را با استناد حق دفاع مشروع مورد حمله قرار دهد؟

برخی از حقوق‌دانان معتقدند که قاعده سنتی دفاع مشروع تغییر کرده و اصلاح شده است. آوبرینگ<sup>۱</sup> معتقد است که رویه دولت‌ها بین ۱۲ سپتامبر تا ۱۰ اکتبر ۲۰۰۱ (قطعنامه‌های شورای امنیت، اعلامیه‌های ناتو، اظهارات حمایتی اتحادیه اروپا و اعلامیه سازمان کنفرانس اسلامی) نشان می‌دهد که قاعده سنتی دفاع مشروع اصلاح شده و دامنه آن توسعه یافته است. هیچ

1. Ove Bring

## ● تحول مفهوم دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل

یک از اعضای شورای امنیت (مهم‌ترین اعضای جامعه بین‌المللی) به تفسیر جدید ماده ۵۱ منشور اعتراض نکردند و بدین ترتیب تفسیر موسع ماده ۵۱ منشور، مشروع می‌باشد.<sup>(۲۸)</sup> آنتونیو کاسسه<sup>۱</sup> معتقد است که حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ چارچوب حقوقی دفاع مشروع را تغییر داده است. به نظر می‌رسد که طی چند روز، رویه تمامی دولت‌ها (تمامی اعضای شورای امنیت، تمامی اعضای ناتو و تمامی دولت‌هایی که به موضوع استناد به ماده ۵۱ منشور اعتراض نمی‌کردند) در این جهت بود که یک حمله تروریستی سازمان یافته توسط یک سازمان تروریستی همانند تجاوز مسلحانه توسط یک دولت می‌باشد و دولت قربانی می‌تواند به حق دفاع مشروع فردی و دول ثالث به حق دفاع مشروع جمعی (در صورت درخواست دولت قربانی) توسل جویند. وی این سؤال را مطرح می‌کند که آیا می‌توان از شکل‌گیری عرف آنی<sup>۲</sup> صحبت کرد.<sup>(۲۹)</sup>

برای این که مشخص شود آیا قاعده‌ای عرفی که حمله تروریستی را نوعی حمله مسلحانه به شمار آورد شکل گرفته است به رویه دولت‌ها و عکس‌العمل جامعه بین‌المللی و سازمان ملل متحد در این زمینه اشاره می‌کنیم:

۱. در سال ۱۹۵۶ اتحاد جماهیر شوروی به پایگاه‌های خرابکاری امریکایی در مجارستان حمله کرد. مجمع عمومی سازمان ملل متحد این حمله را محکوم کرد.<sup>(۳۰)</sup>
۲. اسرائیل در سال ۱۹۸۱ به رآکتورهای هسته‌ای عراق حمله کرد. شورای امنیت این حمله را محکوم کرد و بیان داشت که اسرائیل منشور ملل متحد را نقض کرده است.<sup>(۳۱)</sup>
۳. اسرائیل در سال ۱۹۸۲ در پاسخ به حملات سازمان آزادی‌بخش فلسطین به لبنان حمله کرد. اصل تناسب در این حمله رعایت نگردید. این حمله با انتقاد عمومی مواجه شد.<sup>(۳۲)</sup>
۴. اسرائیل در سال ۱۹۸۵ با استدلال وجود پایگاه نیروهای آزادی‌بخش فلسطین در تونس به آن کشور حمله کرد. جامعه بین‌المللی با این حمله مخالفت کرد و شورای امنیت آن را به عنوان

---

1. Antonio Cassese

2. Instant Custom

عملی تجاوزکارانه تلقی نمود. (۳۳)

۵. در سال ۱۹۸۶ ایالات متحده در پی انفجار در برلین غربی و کشته شدن یک امریکایی به لیبی حمله کرد. در اینجا هیچ دلیل رسمی مبنی بر مسئولیت دولت لیبی وجود نداشت. این حمله مورد انتقاد دولت‌ها قرار گرفت. (۳۴)

۶. در سال ۱۹۹۳ ایالات متحده در پی آشکار شدن نقشه ترور جرج بوش رئیس جمهور ایالات متحده به عراق حمله کرد. از این اقدام ایالات متحده حمایت‌هایی صورت گرفت اما در شورای امنیت فقط بریتانیا و روسیه صریحاً مشروعیت آن را تایید کردند و چین این اقدام را محکوم کرد. (۳۵)

۷. در ۲۰ اوت ۱۹۹۸ ایالات متحده به افغانستان و سودان حمله هوایی کرد. این حملات در پی بمب‌گذاری سفارت‌خانه‌های ایالات متحده در کنیا و تانزانیا در ۷ اوت ۱۹۹۸ صورت گرفت. حمله ایالات متحده به پایگاه‌های تروریستی در افغانستان مورد حمایت قرار گرفت اما از بمباران خارطوم انتقادات زیادی شد. در کل ادعای ایالات متحده برای این حملات پذیرفته نشد. (۳۶)

۸. ایالات متحده و بریتانیا در سال ۱۹۹۹ برای ایجاد مناطق ممنوعه پرواز در عراق اقداماتی صورت دادند که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم با مخالفت روسیه، چین، فرانسه و دیگر کشورها مواجه شد. (۳۷)

۹. در سال ۲۰۰۱ دولت ایران اقداماتی علیه پایگاه‌های تروریستی منافقین در عراق انجام داد. ایران این اقدامات را به اطلاع شورای امنیت رساند و به ماده ۵۱ منشور ملل متحد استناد کرد. این اقدام با مخالفت جدی روبرو نشد. (۳۸)

با بررسی این موارد مشاهده می‌شود دولت‌هایی که با حملات تروریستی مواجه بوده‌اند به حق دفاع مشروع در پاسخ به این حملات متوسل شده‌اند. اما به طور کلی جامعه بین‌المللی و دولت‌ها به این مسئله اعتراض کرده‌اند. در این اقدامات ما شاهد وجود عنصر مادی (رویه دولت‌ها و تکرار این رویه) و عنصر معنوی (اعتقاد به جنبه الزام‌آوری امری: *Opinio Juris*) هستیم اما اعتراض جامعه بین‌المللی دولت‌ها مانع از شکل‌گیری قاعده عرفی بین‌المللی شده است.

بنابراین تا قبل از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ قاعده عرفی بین المللی مبنی بر تلقی حمله تروریستی به عنوان حمله مسلحانه شکل نگرفته بود و تنها در روابط دولت‌هایی که به این قاعده استناد می‌کردند چنین عرفی شکل گرفته بود.

شدت و گستردگی حملات ۱۱ سپتامبر به حدی بود که تمامی دولت‌ها آن را محکوم کردند. هیچ دولتی به حق دفاع مشروع ایالات متحده در پاسخ به این حملات اعتراضی نکرد و در واقع اعتقاد حقوقی بین المللی مبنی بر این که یک حمله تروریستی رami توان یک حمله مسلحانه تلقی کرد، ایجاد شد. بنابراین می‌توان از شکل‌گیری قاعده عرفی بین المللی سخن گفت. جامعه بین المللی به دفاع مشروع در برابر حمله تروریستی اعتراضی نکرده است که این مسأله نشان دهنده اعتقاد حقوقی دولت‌ها می‌باشد بنابراین طبق قاعده عرفی جدید چنانچه دولتی با یک حمله تروریستی مواجه گردد می‌تواند در پاسخ به این حمله به حق دفاع مشروع متوسل شود زیرا حمله تروریستی به عنوان حمله مسلحانه تلقی شده و دولت قربانی حمله تروریستی می‌تواند به این قاعده عرفی استناد کند.

در پاسخ به سؤالی که آنتونیو کاسسه استاد حقوق بین الملل و برخی دیگر مبنی بر احتمال شکل‌گیری عرف آنی مطرح می‌کنند باید گفت به نظر نمی‌رسد بتوان از شکل‌گیری عرف آنی در این قضیه صحبت کرد. زمانی می‌توان به شکل‌گیری عرف آنی اشاره کرد که عنصر مادی (رویه) وجود نداشته باشد و عنصر معنوی (اعتقاد حقوقی) بر عنصر مادی مقدم گردد. اما در این مورد ما شاهد وجود و تکرار رویه دولت‌ها هستیم. به نظر می‌رسد آنها از شکل‌گیری عرف آنی در این قضیه صحبت می‌کنند بین حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر و حملات تروریستی قبل از آن تفاوت قابل شده باشند و حملات ۱۱ سپتامبر را به عنوان یک نمونه واحد تلقی کرده‌اند. این دیدگاه صحیح به نظر نمی‌رسد زیرا تمامی حملات تروریستی بر شمرده شده از لحاظ ماهیت و هدف یکسان بوده و تنها ابزارهای مورد استفاده متفاوت بوده است.

سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا می‌توان از این قضیه نتیجه گرفت که دفاع مشروع پیش‌دستانه نیز مجاز می‌باشد؟ بعید به نظر می‌رسد بتوان پاسخ مثبت به این سؤال

داد. با توجه به مفهوم و شرایط دفاع مشروع پیش‌دستانه می‌توان حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر را در حیطه آن بررسی کرد. ایالات متحده معتقد بود که حملات ۱۱ سپتامبر بخشی از سلسله حملاتی است که از ۱۹۹۳ شروع شده است و ادعا می‌کردند که شواهد متقاعد کننده‌ای مبنی بر وقوع حملات بیشتر وجود دارد. این تعریف بیانگر این نکته است که پاسخ به حملات ۱۱ سپتامبر از مصادیق دفاع مشروع پیش‌دستانه می‌باشد. اما باید در نظر داشت که اعتقاد حقوقی دولت‌ها و ایجاد قاعده عرفی در جهت‌ی بود که این حملات رابه عنوان حمله مسلحانه تلقی کرد و در واقع در حیطه ماده ۵۱ منشور قرارداد. یعنی تفسیر موسعی از ماده ۵۱ منشور ارایه شد و قاعده عرفی جدید، ماده ۵۱ منشور را تکمیل کرد. این قاعده عرفی فقط مصادیق حمله مسلحانه را گسترش داد و نمی‌توان برای مشروعیت دفاع مشروع پیش‌دستانه به آن استناد کرد. اما این قاعده عرفی و قطعنامه‌های ۱۳۶۸ و ۱۳۷۳ شورای امنیت می‌تواند در جهت تقویت نظریه دفاع مشروع پیش‌دستانه به کار گرفته شود ولی هنوز دفاع مشروع پیش‌دستانه در حقوق بین‌الملل غیرقانونی می‌باشد.

سؤال مطرح شده دیگر این است که چه دولتی به عنوان دولت حامی شبکه تروریستی مطرح می‌باشد و چگونه می‌توان این رابطه را اثبات نمود؟ به دو صورت می‌توان به این سؤال پاسخ گفت، از یک طرف می‌توان به قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت اشاره کرد. قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت قطعنامه‌ای عام است و می‌خواهد ترتیباتی را احصاء کند، ابزارهایی را شناسایی کند و به دولت‌ها این اجازه را بدهد که در مواردی که با چنین واقعه تروریستی مواجه می‌شوند از این ابزارها استفاده کنند. در این قطعنامه تمام ترتیباتی که در کنوانسیون‌های دوازده گانه مربوط به مقابله با تروریسم آمده، فهرست شده و دولت‌ها ملزم به اجرای آن شده‌اند. چون قطعنامه جنبه عام دارد این موارد جزو تعهدات دولت‌ها تلقی خواهد شد. در واقع شورای امنیت قانون‌گذاری بین‌المللی کرده است.<sup>(۳۹)</sup> دولت‌ها طبق قطعنامه ۱۳۷۳ ملزم به پیشگیری و منع اقدامات تروریستی، منع تامین مالی تروریست‌ها و منع استفاده تروریست‌ها از قلمرو خود می‌باشند. در صورتی که دولتی این تعهدات را نقض کند و سازمان تروریستی مورد حمایت آن به دولتی دیگر



حمله نماید آن دولت می تواند با استناد به حق دفاع مشروع به دولت ناقض تعهدات حمله نماید. آنتونیو کاسسه بیان می دارد که در این حالت هدف دفاع مشروع، سازمان تروریستی است و توسل به زور علیه دولتی صورت می گیرد که پناهگاه چنین سازمان هایی شده است، در اینجا حاکمیت این دولت نقض می شود اما توجیه قانونی آن این است که این دولت به تروریسم کمک کرده است. یابه عبارت دیگر تکالیف بین المللی مندرج در قطعنامه های شورای امنیت را نقض کرده است. بنابراین کمک و شرکت در تروریسم بین المللی برابر با یک حمله مسلحانه است و می تواند مستند دفاع مشروع قرار گیرد. مشکلی که اینجا پیش می آید مربوط به گستردگی دولت های مورد هدف می شود زیرا این شبکه تروریستی ممکن است در چند کشور گسترده باشد ولی مطمئناً نمی توان تمامی این دولت ها را مورد هدف قرار داد.<sup>(۴۰)</sup>

صورت دوم پاسخ به سؤال مطرح شده این است که به "معیار کنترل مؤثر" در حقوق بین الملل توجه کنیم. دیوان بین المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه به معیار کنترل مؤثر اشاره کرد. یکی از موضوعات بحث انگیز در این قضیه این بود که آیا با توجه به اقدامات ایالات متحده در تجهیز و مسلح کردن کانتراهای نیکاراگوئه می توان فعالیت های کانتراها را به ایالات متحده نسبت داد. دیوان نتیجه گرفت که ایالات متحده در صورتی مسؤول این فعالیت ها می باشد که کنترل مؤثری بر کانتراها داشته باشد.<sup>(۴۱)</sup> موضوع دیگری که در این قضیه مطرح شد این بود که آیا حمایت نیکاراگوئه از شورشیان السالوادور می تواند مستند دفاع مشروع جمعی قرار گیرد. دیوان نتیجه گرفت که صرفاً شرط حمایت تسلیحاتی و لجستیکی از مخالفان دولت دیگر نمی تواند به عنوان حمله مسلحانه تلقی شود.<sup>(۴۲)</sup> همچنین دادگاه کیفری بین المللی یوگسلاوی سابق در قضیه تادیچ بیان می دارد که معیار کنترل مؤثر از حد صرفاً حمایت مالی و تجهیز بعضی نیروها و همچنین مشارکت در طراحی و نظارت بر عملیات نظامی فراتر می رود.<sup>(۴۳)</sup> بنابراین چنانچه دولتی بر یک سازمان تروریستی کنترل مؤثری داشت، اقدامات آن سازمان تروریستی به دولت مزبور نسبت داده می شود و می توان علیه آن دولت به حق دفاع مشروع استناد کرد.

## نتیجه گیری

مفهوم دولت مشروع پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تغییر یافته است و حمله تروریستی به عنوان حمله مسلحانه تلقی می‌شود که می‌توان در پاسخ آن به دفاع مشروع فردی یا جمعی استناد کرد. این برداشت جدید از دفاع مشروع تبعات مثبت و منفی بر صلح و امنیت بین‌المللی می‌گذارد که نتیجه کوتاه مدت آن منفی و نتیجه بلندمدت آن مثبت خواهد بود.

از آنجا که دولت‌های زیادی مانند الجزایر، بریتانیا، تایلند، ترکیه، یمن، کامبوج، مصر، فرانسه، هند، کنیا، مقدونیه، فلسطین، فیلیپین، روسیه و سودان از حملات تروریستی رنج می‌برند، طبق برداشت جدید از دفاع مشروع این دولت‌ها می‌توانند در پاسخ به این حملات به دفاع مشروع استناد کرده و دولت حامی گروه‌های تروریستی را مورد هدف قرار دهند. این مسأله در کوتاه مدت باعث می‌شود که توسل به جنگ در روابط بین‌المللی افزایش یابد.

اما تاثیر بلندمدت برداشت جدید دفاع مشروع، مثبت می‌باشد. از آنجا که گروه‌های تروریستی یکی از عوامل تهدید کننده صلح و امنیت بین‌المللی می‌باشند و طبق برداشت جدید می‌توان در برابر حملات این گروه‌ها به دفاع مشروع استناد کرده و دولت حامی آنها را مورد هدف قرار داد، در نتیجه دولت‌های کمتری از گروه‌های تروریستی حمایت خواهند کرد و سازمان‌های تروریستی با کمبود منابع و حمایت دولتی مواجه شده و تضعیف شده یا از بین خواهند رفت. به این ترتیب در بلندمدت یکی از عوامل تهدید کننده صلح و امنیت بین‌المللی تضعیف شده یا از بین می‌رود و از این جنبه صلح و امنیت بین‌المللی پایدار ایجاد می‌شود.

## یادداشت‌ها

۱. برای بررسی بیشتر این اصل نگاه کنید به:

1. Brawnlie, *Principles of Public International Law*, 5th edn. (Oxford: Oxford University Press), 1998, p. 515; A. Cassese, *International Law*, (Oxford: Oxford University Press), 2001, p. 236; B.V. Roling, "Aspect of the Ban of Force", *NILR*, Vol. 24, 1977, pp. 242-259; O. Schachter, *International Law in Theory and Practice*, (Dordrecht, Nijhoff) 1991, p. 131.
2. *Military and Paramilitary Activities (Nicaragua V. United States)*, ICJ Reports, (1986), para. 190.
3. *Legality of the Use of Force by the State of Nuclear Weapons in Armed Conflict*, Advisory Opinion, ICJ Reports, (1996), para. 41.
4. *Nicaragua Case*, *op.cit.*, paras. 35, 194.
5. *Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949 (Protocol I)*, June 8, 1977, Art. 51. para. 5.
6. *Legality of the Use of Force*, *op. cit.*, para.41.
7. *Charter of the United Nations*, Art. 51.
8. Antnio Cassese, "Terrorism is Also Disrupting some crucial Legal Categories of International Law", (<http://ejil.org/forum-wtc/ny-cassese-02.html>).

دیوان بین‌المللی دادگستری در شق E قسمت ۲ بند ۱۰۵ رأی مشورتی ۱۹۹۶ پیرامون مشروعیت تهدید یا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای بیان می‌دارد: "باین حال، دیوان در پرتو وضعیت فعلی حقوق بین‌الملل و واقعیت‌های حاکم بر ترکیب دیوان نمی‌تواند به طور قطعی نتیجه بگیرد که در شرایط حاد دفاع مشروع که در آن بقای دولت در خطر

است، تهدید یا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای مشروع و یا نامشروع خواهد بود.

9. Geneva Conventions of 12 August 1949 and Additional Protocol 1977.

10. Legality of the use of Force, *op.cit.* para. 78.

11. M.V. Naidu, "Islamic Terrorism and American war of Self-Defence under charter".  
([www.mts.net/mbreault/p/articles/naiduisl.doc](http://www.mts.net/mbreault/p/articles/naiduisl.doc)).

12. Nicaragua Case, *op.cit.* para. 194-195.

13. *Ibid.*, para. 195, 230.

14. Mary Ellen O'connell, "The Myth of Preemptive Self-Defense", August 2002.  
([www.asil.org/taskforce/oconnell.pdf](http://www.asil.org/taskforce/oconnell.pdf)).

15. *Ibid.*

16. *Ibid.*, Angus Martyn, "The Right of Self-Defence under International Law-the Response to the Terrorist Attacks of 11 September",  
([www.aph.gov.au/library/pubs/cib/2001-02/02cib08.htm](http://www.aph.gov.au/library/pubs/cib/2001-02/02cib08.htm)).

17. *Ibid.*

۱۸. کریستین گری، "حقوق بین‌الملل و توسل به زور علیه عراق"، ترجمه محسن شریفی، سیاست خارجی، سال ۱۶، ش. ۳، پائیز ۱۳۸۱، صص ۸۳۶-۸۳۵

19. Lee. A. Casey and David B. Rivkin, Anticipatory Self-Defense against Terrorism is Legal, December 14, 2001. ([www.wlf.org/upload/casey.pdf](http://www.wlf.org/upload/casey.pdf)); Anthony Clark Arend and Robert J. Beck, International Law and the use of Force, 1993; Oscar Schachter, "The Right of States to Use Armed Force", Mich.L. Review, Vol. 82, 1984.

20. Mary Ellen O'connel, *op.cit.*

21. *Ibid.*

22. *Ibid.*

● تحول مفهوم دفاع مشروع در حقوق بین الملل

---

23. Legality of the Use of Force, *op.cit.*

24. SC. Res. 487 (June 19, 1981).

25. SC. Res. 1269 (October 19, 1999).

۲۶. نیکو اسکریچور، "پاسخ به تروریسم بین المللی؛ توسعه مرزهای حقوق بین الملل به سوی آزادی پایدار"، ترجمه محسن شریفی، سیاست خارجی، سال ۱۵، زمستان ۱۳۸۰، صص ۵۹-۱۱۵۸.

۲۷. جمشید ممتاز، ابعاد حقوقی مبارزه با تروریسم بین المللی، روزنامه ایران، سال ۷، ش ۱۹۵۴، ۱۲ آبان ۱۳۸۰، ص

۶

28. Ove Bring, "Military Self-Defence against International Terrorism", ([www.kkrva.se/eng/r/sawspj/016/bring.shtml](http://www.kkrva.se/eng/r/sawspj/016/bring.shtml)).

29. Antonio Cassese, *op.cit.*

30. GA. Res. 1131 (XI), 1956.

31. SC. Res. 487 (June 19, 1981).

32. Mary Ellen O'connell, "Lawful Responses to Terrorism", (<http://jurist.law.pitt.edu/forum/forumnew30.htm>).

33. SC. Res. 573 (1985).

34. Carsten Stahn, "Security Council Resolutions 1368 (2001) and 1373 (2001): What they say and what they not say", (<http://ejil.org/forum-Wtc/ny-stahn.pdf>).

۳۵. کریستین گری، پیشین، ص ۸۳۷

36. Frederic L. Kirgis, "Cruise Missile Strikes in Afghanistan and Sudan", August 1998. ([www.asil.org/insights/in\\_sigh\\_24.htm](http://www.asil.org/insights/in_sigh_24.htm)).

۳۷. کریستین گری، پیشین، ص ۸۳۶

۳۸. روزنامه کیهان، شماره ۱۷۰۶۶، مورخ ۱۳۸۰/۱/۳۰، ص ۱۴.

۳۹. جمشید ممتاز، پیشین.

40. Antonio Cassese, *op.cit.*
41. Nicaragua Case, *op.cit.* paras. 113-115, 195.
42. *Ibid.*, Paras. 108, 116.
43. ICTY, Prosecutor V. Tadic, Case IT-94-1, Appeals Chamber, 1999, para. 145.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی